

توسعه دانشگاهها و کاربرد روانشناسی در ورزش

زهرة ریاضی^{۲۰}

چکیده:

بشر دارای نیازهای متنوعی است که برخی از آنها می تواند به وسیله ورزش ارضاء شود. تمایز مهمی ، بین انگیزش درونی و بیرونی وجود دارد . پژوهش های معاصر نشان می دهد که انگیزش درونی عامل مهمتری برای اکثریت شرکت کنندگان در ورزش است. یکی از انگیزه های مهم که خصوصا با ورزش در ارتباط است نیاز به موقعیت است . پر نفوذ ترین تئوری که تبیین موفقیت راجستجو می کند از مک کلند می باشد. موفقیت، تشویق شفاهی ، آموزش ، و بازسازی اسناد همگی می توانند خود باوری را تقویت کنند .

در این مقاله کوشش شده است کاربرد علم و روانشناسی در ورزش و مبانی علمی و پژوهشی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد .

کلید واژگان: روانشناسی ، ورزش ، انگیزش .

^{۲۰} - دکتري مدیریت آموزش عالی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سپیدان

مقدمه

در آغاز باید به طور کوتاه روانشناسی و حوزه ی مربوط به آن را معرفی کرد . چون بدون تعریف روانشناسی نمی توان روانشناسی ورزشی را شناسایی نمود . روانشناسی از دیدگاه مختلف تعریف شده است در اینجا یک تعریف کامل از آن می توان بیان نمود، روانشناسی ، علم مطالعه رفتار و ذهن انسان است و یک مربی ورزش باید از تعریف روانشناسی ورزشی آگاه باشد . روانشناسی ورزشی عبارت است از کمک فزاینده نظام های مختلف علمی -تحقیقاتی روانشناسی به رشد و تکامل موفقیت آمیز اجرای اعمال ورزشی و ارائه مناسبترین روش های آموزش و آماده سازی ورزشکاران و مربیان و کنترل مختلف روانشناختی . در واقع وظیفه اصلی مربیان این است که بر دیگران تاثیر بگذارند این تاثیر به قصد رسیدن به هدف های معین همچون رشد شخصیت ، پیشرفت اجتماعی و روابط بین فردی می باشد و باید هم جنبه رقابتی و هم جنبه تفریحی ورزشی را مد نظر داشته باشد . در نتیجه دست اند کاران ورزشی باید اطلاعات جامعی در مورد روانشناسی داشته باشند تا به اهدافشان دست یابند به عبارت دیگر ، مربی باید آگاه باشد که چگونه تماشاچیان بر روی عملکرد ورزشکاران تاثیر می گذارند بعلاوه تماشای یک مسابقه ورزشی چه سودی برای مردم می تواند داشته باشد .

برخی اصول روانشناسی و کاربرد آن در روانشناسی ورزشی

الف- توجه

چون مهم ترین محل توجه روانشناسی کارآیی است و کمتر موضوعی در زمینه کارایی به اندازه توجه (یا تمرکز) اهمیت دارد ، این مطلب از مهمترین سر فصل های روانشناسی ورزشی است . بنابر تعریف توجه : (داشتن کنترل روی فکر و معطوف کردن به سمت چیزی برای پرداختن موثر به آن است.) برای تفهیم توجه باید ابتدا پرداخت اطلاعات را فهمید . این مدل (پرداخت اطلاعات) می گوید که بین محرک و پاسخ ، متغیر هایی وجود دارد و اتفاقاتی رخ می دهد . در این میان حافظه نقشی اساسی دارد . حافظه سه نوع (مرحله ؟) دارد : ۱- ثبت حسی ۲- حافظه کوتاه مدت ۳- حافظه بلند مدت . توانایی بستن راه اطلاعات نامربوط و توجه به اطلاعات مهم (توجه انتخابی) نام دارد . (مثال بالا یک نمونه ی آن است) این توانایی در تمرکز نقش بسزایی دارد. محدودیت آن باعث تفاوت چشم گیر سطح ورزشکار می شود . یعنی آنکه دارای این توانایی است در سطح بسیار بالاتری قرار می گیرد و بالعکس. اگر یک حرکت فضای پرداخت اطلاعات فرد را

اشغال کند (به دلیل محدودیت فضا) دیگر جایی برای حرکات دیگر نمی ماند . برای بستن راه اطلاعات نامربوط باید محدود توجه کوچک شود و این کار با استفاده از نشانه ها انجام می شود که به معنی شناختن نشانه های مربوط و نامربوط و توجه به انواع مربوط و سد کردن راه انواع نامربوط (مثلا برای یک بازیکن خط حمله فوتبال تیر دروازه و محل قرار گرفتن دروازه بان یک نشانه مربوط و فریاد های مربی تیم حریف یک نشانه نامربوط است .) و سد کردن راه انواع نامربوط است و با این کار عملا محدود توجه کوچک شده است .

ب- اضطراب و هیجان

این دو اصطلاح (اضطراب و هیجان) هم معنی نیستند ولی با هم دیده می شوند. هیجان یک پدیده ی طبیعی است که با تظاهرات خلقی مثبت یا منفی (اضطراب یا شادمانی) همراه می شود. کارگردان هیجان ، سیستم عصبی خودکار است و می توان آن را ارزیابی کرد. اضطراب دارای نوع شخصیتی و موقعیتی است. عواملی که باعث بروز اضطراب موقعیتی می شوند عبارتند از :

۱ - به مخاطره افتادن من

۲ - تهدید جسمانی

۳ - تردید

۴ - بهم ریختن اوضاع

۵ - نظر دیگران

استرس (بخوانید : تنش روانی) به چهار شکل دیده می شود : نوع مطلوب ، نوع آزار دهنده ، بیش از حد مطلوب ، کمتر از حد مطلوب .

ارتباط ما بین هیجان و کارایی ورزشکار به مهم ترین وجه توسط نظیه زنگوله تفسیر می شود. این نظریه می گوید استرس در محدوده ی خاصی با بهترین کارایی همراه است و هر چه بیشتر یا کمتر از آن بشود کارایی را کاهش خواهد داد. البته واقعیت امر به این سادگی نیست و نظریات بعدی تا حدود زیادی این شکل را عوض کرده اند. سبکبالی اصطلاحیست برای توصیف حالت مطلوب، یا حالتی که ورزشکار غرق در انجام حرکات است. یکی از مفید ترین کارها این است که کاری نکنیم سطح تهییج ورزشکار به حد مطلوب رسد یا اینکه تنظیم شود. اعمالی که برای کاهش هیجان و اضطراب انجام می شوند روش های کنترل استرس، نام می گیرند. این اعمال باید با علائم ورزشکار تطبیق داده شوند.

تنظیم هیجان به دو شیوه کلی

۱- تن آرامی در آرامش

۲- تحریک هیجان انجام می شود. روش های تن آرامی متعدد هستند ولی اگر صحیح اعمال شوند نتیجه شان آرامش است. یکی از معمول ترین روش ها (تن آرامی پیش رونده) است که سفت و شل کردن تمامی عضلات به ترتیبی خاص انجام می گیرد. تفکر پایه ی این روش است که وقتی تمامی عضلات شل هستند نمی توان عصبی بود. در این میان می توان از روش های آموزش خود جوش، مراقبه و هیپنوتیزم هم نام برد که هیپنوتیزم از همه ناشناخته تر است. هیپنوتیزم بنا بر تعریف یعنی: (قبول بی چون و چرای دستورات) هیپنوتیزم تحت شرایطی می تواند برای افزایش کارایی ورزشکار نقش مثبت ایفا کند یعنی از یک ورزشکار موفق چهره ای مهم بسازد اما نمی تواند از یک ورزشکار ضعیف یک قهرمان خلق کند. برای تهییج ورزشکاران می توان از هدف گزینی، سخنرانی های تحریک کننده، روزنامه دیواری، رسانه ها، تماشاچی، تحریک توسط خود، کمک گرفتن از والدین و تمرین پیش از مسابقه استفاده نمود.

پ- مهارتهای روانی

مهارت های روانی در جهت تغییر مثبت الگوهای فکری و رفتاری برای افزایش کارایی استفاده می شود. از مهمترین مهارت ها شیوه های مقابله است که تلاشی است خود آگاه و پویا که فرد برای کنترل استرس انجام می دهد. دیسترس (نوع آزار دهنده استرس) حاصل احساس عدم تعادل بین داشته ها و نیازهای فرد است. شیوه های مقابله دو گروه هستند اول آنها که بر مسئله (تمرکز دارند) و دیگری آنها که بر عواطف تمرکز دارند.

یکی دیگر از مهارتهای روانی با ارزش تصویر سازی است. در اینجا باید خاطر نشان کنم که تصویر سازی با تمرین ذهنی متفاوت است. در تمرین ذهنی فرد بدون آنکه حرکتی بکند یک کار جسمی را تمرین می کند که شاید در این هنگام تصاویر آن کار در ذهنش باشند ولی ممکن است یک نفر صحنه ای را تصور کند ولی هیچ تمرینی هم انجام ندهد. تصویر سازی دارای دو نوع داخلی و خارجی است. در نوع داخلی خود فرد همان تصویربست که حرکتی انجام می دهد (درست مثل زمانی که دوربین فیلمبرداری جای هنر پیشه را می گیرد) در نوع خارجی فرد خود را همانند یک تماشاچی از بیرون نگاه می کند.

مهارت هدف گزینی نوعی انگیزش است که فرد را به خلاقیت بیشتر تحریک می کند. بطور کلی اهدافی که ویژه و سخت باشند از آنها که صرفاً به (انجام بهترین کار ممکن) می پردازند بهتر هستند. هدف گزینی موثر اصلی دارد: ۱- اهداف خاص بهتر از اهداف کلی هستند ۲- هدف باید قابل ارزیابی باشد ۳- اهداف سخت و نسبتاً سخت بهتر از اهداف آسان هستند ۴- اهداف کوتاه مدت دستیابی به اهداف دراز مدت را تسهیل می کنند ۵- اهداف وابسته به عملکرد از اهداف وابسته به نتیجه بهتر هستند ۶- برای رسیدن به هدف باید برنامه و ابزار مناسب فراهم کرد. برای ارزیابی میزان کسب هر کدام از مهارت ها و یا مجموع آنها آزمون های ویژه ای طراحی شده است.

ت- توجیه

توجیه برخاسته از احساس فرد در مورد برد یا باخت است. توجیه توصیف علت نتایج است. توجیه افراد یک مدل سه بعدی دارد: محل کنترل (اینکه علت را چیزی از درون یا بیرون خود بدانند) ثبات (علت را ثابت یا قابل تغییر بدانند) و قابلیت کنترل (این که علت تحت کنترل خودشان می دانند یا تحت کنترل عواملی غیر از خودشان). فهم توجیه برای فهم رفتار افراد حین مسابقات بسیار مفید است. هرکس که فکر می کند خودش مسوول نتیجه است کنترل داخلی (از نظر محل

کنترل) و آنکه نتیجه را تحت نفوذ عواملی غیر از خودش می داند کنترل خارجی دارد. نوع نتیجه به تجربه (سوابق) بستگی دارد. انتظار فرد از آینده را می توان از روی توجه وی پیش بینی کرد. توجه داخلی پیروزی باعث احساس اعتماد به نفس و توجه داخلی شکست باعث احساس گناه می شود. توجه ثابت (توانایی جسمی یک مطلب ثابت و داوری قابل تغییر است) از شکست باعث ضعف اعتماد به نفس و توجه قابل تغییر از آن باعث می شود حس کنند شکست قابل جبران است. مردها معمولا پیروزی را منتج از توانایی بالا و تلاش و شکست را حاصل بد شانسی می دانند. خانم ها اغلب پیروزی را نتیجه ی خوش شانسی و تشویق و شکست را حاصل عدم توانایی می دانند. این توجه تضعیف کننده خانم ها بدلیل بد آموزی بوده (ذاتی نیست) و قابل اصلاح است.

خود محوری در توجه حالتی است که ورزشکار همیشه شکست را به عوامل خارجی و پیروزی را به عوامل داخلی نسبت می دهد. این حالت خود خواهانه بوده و از اشکال غیر منطقی توجه است.

ج- انگیزه و اعتماد به نفس

انگیزه تمایل فرد برای شرکت یا عدم شرکت در مسابقه است که در عمق خود میل به برتری را شامل می شود . آنچه همواره در مقابل انگیزه قد علم می کند ترس از شکست یا همان اضطراب موقعیتی است . انگیزه انواع درونی و بیرونی دارد . انگیزه های درونی عمدتا معنوی و انگیزه های بیرونی عمدتا مادی هستند . اعتقاد بر این است که تفاوت عمده ما بین انگیزه ضعیف و قوی را اعتماد باعث می شود . عمدتا آنکه اعتماد به نفس دارد پیروز می شود . در باب اعتماد به نفس نظریات مختلفی وجود دارد اما همه نظریات می گویند که اگر به ورزشکار جوان در محیطی که احساس حمایت می کند فرصت بدهیم پیروزی را تجربه کند اعتماد به نفس او افزایش می یابد . اعتماد به نفس خانم ها الزاما کمتر از آقایان نیست اما انجام کارهای نا متناسب با جنسیتشان و مقایسه آنها با آقایان در اجتماع باعث کاهش اعتماد به نفس ایشان می شود . خانم ها و آقایان هر دو تمایلات مردانه و زنانه دارند . خانم هایی که از نظر تمایلات مردانه مطلوب سطح بالایی دارند اعتماد به نفس بالاتری نشان می دهند .

اگر ورزشکاری برای پاداش بیش نفس ورزش اهمیت قائل شود انگیزه داخلی وی کاهش می یابد. البته پاداش هم دارای انواع آگاه کننده (باعث می شود بازیکن متوجه مثبت بودن عملش بشود) و کنترل کننده (باعث می شود بازیکن فقط برای پاداش ورزش کنند) است که انواع کنترل کننده باعث کاهش انگیزه داخلی می شود. مسئول اصلی پرورش اعتماد به نفس و انگیزه داخلی جوان ها خودشان، مربیان و والدین ایشان هستند.

مسلمان سر فصل های روانشناسی ورزشی اینجا تمام نمی شود و آنچه تا کنون گفتیم هم صرفا فهرستی کوچک از یک دریا مطلب بود. می شد در ادامه به روانشناسی اجتماعی ورزش و فیزیولوژی روانی ورزش و ... اشاره کرد که در حوصله ی این مقاله نیست.

انگیزه رقابت

امروزه شاهد رشد و تحول در جهان ورزش هستیم از جمله جابجا شدن رکورد ها در رشته های مختلف ورزشی خود شاهدی بر این امر است و با گسترش حرفه ای گری در ورزش برنامه ریزان و دست اندر کاران دنیای ورزش به دنبال آن هستند با از آخرین دستاورد های علمی و عملی بهره گیرند. سالهای زیادی است که ورزش از حالت سنتی خود خارج شده است و اگر مللی در این مبارزه علمی از غافله عقب بماند در جهان ورزش حرفی برای گفتن نخواهد داشت بدیهی است که تمامی اعمال بشری از دو جنبه فیزیولوژیکی و روانی قابل بررسی می باشد و با عنایت به نقشی که جنبه های روانی در اعمال و رفتار بشر دارند توجه به رشته روانشناسی ورزش از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است.

روانشناسی ورزش جدید ترین اطلاعات روانشناسی مطرح روز ورزش را در اختیار علاقه مندان قرار می دهد.

تئوری ها و پژوهش های جدید اساسا در حوزه های شخصیت نگرش های نسبت به ورزش پرخاشگری در ورزش اضطراب و استرس نفوذ های اجتماعی انگیزش و کسب مهارت می باشد همچنین نمونه های متنوعی از رشته های ورزش از جمله فوتبال، وزنه برداری و ... را شامل می شود.

به دلیل وجود شیوه های مختلف در جهت به کار گیری روانشناسی در حوزه ورزش و وجود فعالیت های متنوع در فرهنگهای مختلف تحت عنوان فعالیت های ورزش لازم است تا تعریف کاملا گسترده ای از روانشناسی ورزش را از انجمن

روانشناسی ورزش اروپا (FEPSAC) با کمی اختصار ارائه دهیم . روانشناسی ورزش به بررسی فرایندهای بنیادین روانشناسی و تاثیرات آن بر ورزش می پردازد .

ورزش شامل فعالیت های جسمانی است که به منظور رقابت ، تفریح ، تربیت و سلامت انجام می پذیرد . روانشناسی نیز علم ذهن و رفتار است (گروس) با تلفیق این دو مقوله با یکدیگر می توان نتایج بسیار مثبتی در افزایش انگیزش ورزش و کسب موفقیت کسب نمود .

نتیجه گیری

تمایز مهم در انواع انگیزه های نوع بشر انگیزش درونی و بیرونی است انگیزش بیرونی از پاداش های بیرونی ناشی می شود انگیزش درونی از درون شخص سرچشمه می گیرد هم انگیزه درونی و هم انگیزه بیرونی هر دو در ورزش مهم هستند و روانشناسان ورزشی می توانند هم انگیزه های درونی و هم بیرونی را برای بهبود عملکرد اشخاص به کار گیرند انگیزه های درونی برای شرکت در ورزش شامل تهییج ، تفریح ، علاقه به عمل و فرصت برای ثابت کردن توانایی های خود بهبود مهارت ها و خلاصه به دلیل لذت بردن از ورزش است .

انگیزه های بیرونی می تواند به شکل جایزه و انعام و پاداش های کمتر ملموس مثل ستایش یا کسب موقعیت مورد استفاده قرار می گیرد .

به عنوان مثال برای ترغیب و انگیزاندن مدد جویمان به ورزش از هر دو روش انگیزش یعنی درونی و بیرونی باید استفاده نمود . به این صورت که ضمن اطلاع رسانی و فرهنگ سازی در خصوص فواید ورزش که انگیزش های درونی مثل تهییج ، تفریح و لذت بردن از ورزش و سلامتی و از انگیزش های بیرونی مثل اعطای تلفن ، مرخصی استفاده از آزادی مشروط و تخفیف مجازات به ورزش کردن می انگیزانیم و ورزش باعث می شود که بسیاری از مشکلات روحی و روانی و حتی در ترک اعتیاد موثر واقع گردد .

فهرست منابع و مآخذ

۱ - ورزش و روانشناسی ، مبشری ، ابراهیم ، سازمان تربیت بدنی ، سال ۱۳۷۷ ، چاپ اول

۲- روانشناس ما به ورزش نیاز دارد، ورزش ما به روانشناس، دکتر فرشاد نجفی پور، برگرفته از سایت

اینترنتی آشیانه www.ashyaneh.net

- 3- www.fa.wikipedia.com
- 4- www.ravanshenas.blogfa.com
- 5- www.iranmania.com
- 6- www.iran-news.com

مقایسه مشکلات رفتاری فرزندان مادران آموزگار شاغل با فرزندان مادران سایر مشاغل و خانه دار شهرستان

فیروزآباد

صدراله خسروی^{۲۱} - محمدرضا بردیده^{۲۲} - صغری بهزادی^{۲۳}

چکیده:

^{۲۱} - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی فیروزآباد - Email: Hamraz - khosravi

^{۲۲} - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی فیروز آباد

^{۲۳} - صغری بهزادی کارشناس روانشناسی بالینی

هدف: پژوهشهای متعدد نشان داده اند که موقعیت اجتماعی خانواده، وضع اقتصادی آن و افکار و عقاید، کیفیت تربیت والدین و چگونگی اشتغال آنها در طرز تلقی و رفتار کودکان تأثیر فراوان دارد. هدف این پژوهش بررسی مشکلات رفتاری فرزندان مادران آموزگار و مقایسه آن با مشکلات رفتاری فرزندان مادران سایر مشاغل و خانه دار بود.

روش: پژوهش توصیفی مقطعی می باشد. در این بررسی ۲۴۰ نفر مادر (۶۰ نفر آموزگار، ۶۰ نفر پرستار، ۶۰ نفر ماما، ۶۰ نفر خانه دار) شرکت داشتند. شاغلین با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی منظم از مرکز بهداشت درمان و آموزش و پرورش شهرستان فیروزآباد انتخاب شدند. مادران خانه دار با استفاده از نمونه گیری داوطلبانه انتخاب شدند. از پرسشنامه **CBCL** برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده، داده ها با استفاده از روش مانوا تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری بین مشکلات رفتاری فرزندان چهار گروه وجود دارد ($P < 0/0001$). در بین مشاغل تفاوت معنی داری بین مشکلات رفتاری فرزندان پرستار و ماما و بین آموزگار و ماما وجود نداشت در صورتی که بین فرزندان آموزگار و پرستار در بعضی از مقیاس ها تفاوت وجود داشت نتیجه گیری: بر اساس این پژوهش می توان نتیجه گرفت وضعیت اشتغال مادران در مشکلات رفتاری فرزندان تأثیر دارد.

واژه های کلیدی: مشکلات رفتاری، مادران شاغل، مادران خانه دار

مقدمه:

درباره اثرات اشتغال مادر بر رشد کودک دیدگاههای مخالف و موافق زیادی مطرح شده است و پژوهش ها به نتایج همگنی نرسیده اند (۹).

اسکار و همکاران (۱۹۸۰) در مقاله ای تحت عنوان کار مادران و خانواده آنها مطرح می کند که اشتغال به طور مستقیم روی روابط همسری و فرزندانشان موثرست (۲۳).

در مطالعه ای اتاق^{۲۴} (۱۹۷۴) به بررسی اثرات اشتغال مادران بر فرزندان پیش بینی کرد که پسران و دختران مادران شاغل ممکن است مفاهیم نقش های جنسی گسترده تر داشته باشند و علاوه بر این مطالعه پیش بینی کرد که پسران مادران شاغل ممکن است عملکرد شناختی پایین تر و مسائل سازگاری بیشتری از پسران مادران غیر شاغل داشته باشند (۱۴).
مطالعه گالامبوس (۱۹۷۴) بر روی خصوصیات کودک و اشتغال مادران بر فرزند کوچکشان نشان داد که سطح خواسته ها در کودکان مادران شاغل پایین تر است. این مطالعه نشان داد که این مادران بیشتر به دلایل رضایت شخصی به کار اشتغال داشتند تا دلایل اقتصادی (۱۶).

مادران شاغل ترتیبات گوناگونی را برای نگهداری کودکانشان به کار می گیرند اکثر آنان به هنگام کار کودکان پیش دبستانی خود تحت مراقبت یک پرستار و یا یکی از خویشاوندان خود قرار می دهند و بقیه را به مهدکودک می سپارند. بنابراین اثرات اشتغال مادر بر کودک بستگی به کیفیت مراقبت از کودک توسط جانشین مادر دارد. نتایج پژوهش های گلد^{۲۵} و گولوریو^{۲۶} (۱۹۷۹) و هافمن (۱۹۷۹) نشان داده است که دختران بیشتر از پسران از داشتن یک مادر غیر شاغل بهره می برند دختران شاغل از خود بسندگی، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتر بر خوردارند و تمایل بیشتری به اشتغال نشان می دهند (۱۵ و ۱۸).

براون^{۲۷} (۱۹۷۰) و باندوسی^{۲۸} (۱۹۶۷) در مطالعه ای بیان کردند که پسران مادران شاغل در مقایسه با پسران مادران غیر شاغل از خودبسندگی و سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند. این امر احتمالاً ناشی از این امر می باشد که بر حجم کارهایی که دختر و پسر در خانه موظف به انجام آن می باشند افزوده می شود و این مسئله به نوبه خود موجب می شود که میزان شرکت کودک در فعالیت های خانوادگی افزایش یابد و موجب رشد اجتماعی او گردد.

جامعه شناسان تأثیرات مادرانی که بیرون از خانه کار می کنند بر روی فرزندانشان به طور عمیق مورد بررسی قرار دادند. یافته های آنان باورهای گذشته را تغییر داد. در دانشگاه هاروارد دکتر می هاول (۱۹۷۳) پژوهشهای بسیاری روی کودکانی که مادران آنها شاغل بوده انجام داده است و نتیجه گرفت که تقریباً هر خصیصه رفتاری و متضاد آن در کودکان

می تواند در بین مادران غیر شاغل نیز دیده شود و به طور کلی تفاوت‌های کلی در بین کودکان مادران شاغل و غیر شاغل دیده نشده است (۲۳).

اکثر روانشناسان مادران را به دو گروه تقسیم می کنند: یک گروه زنانی که از آنچه انجام می دهند راضی هستند خواه اشتغال خارج از خانه یا کارهای خانه ، و زنانی که چه در سر کار چه در خانه ناراضی هستند که در فرزندان آنها تفاوت‌هایی وجود دارد.

مادرانی که از ماندن در خانه یا مادرانی که از رفتن به سر کار ناراحت هستند به احتمال زیاد دارای بچه های مشکل دار هستند. اسکارد^{۲۹} می گوید: برای بعضی از زنان بهترین کار رفتن به خارج است و برای بعضی بهتر کار ماندن در خانه است بنابراین به نظر می رسد که آنچه برای مادر بهترین است برای بچه ها نیز بهترین می باشد (۲۰).

مادری کردن یک رابطه مثبت و تا حدودی با بهداشت روانی کودک ندارد. ما نمی توانیم فرض کنیم که هر قدر مادر وقت بیشتری را صرف کودک کند کمک به بهداشت روانی کودک کرده است . « مادر غیر شاغل امروزی ممکن است مادری بیشتری از آنچه که یک بچه می تواند به صورت مفید از آن استفاده نماید فراهم کند.» (۴) مادران غیر شاغل که کودک دبستانی دارند ممکن است که در نقش مادری بیش از اندازه سرمایه گذاری کنند چون این تنها راهی است که وی می تواند از آن احساس ارزشمندی کند. چندین مطالعه دال بر روحیه پایین مادران بدون شغل یا بچه های دبستانی هستند علاوه بر این تشویق غیر عمد باعث وابستگی بیشتر می شود و به وی کمک می کند تا نقش خود را توجیه کند (۱۰).

«علامتهای هیجانی بیشتر در میان کودکانی مشاهده می شود که والدینشان آنها را ترک گفته یا قسمت بیشتر روز خود را در خارج از خانه می گذرانند و نگرانی زیادی از کودکان خود دارند. (۵) از مطالعه ۴۰ کودک دبستانی که مادرانشان در بیرون از خانه کار می کردند دریافتند که دشواریهایی در رفتار آن کودکان وجود دارد احساس استقلال را از دست می دهند در روابط خود با دیگران دارای مشکلات و گرفتاریهایی می شوند و نشانه های خیالپردازی ، رفتار کناره گیری و گوشه نشینی و عدم اطمینان خاطر در آنها مشاهده می شود . مخصوصاً اگر کودک بیشتر با مادر مهربان باشد. کودک

وقتی از مدرسه بر می گردد باید فوراً درباره تجارب مدرسه ای خود با مادرش گفتگو کند و نمی تواند منتظر باشد تا مادر از کارش بر گردد» (۵).

«کودکان پرورش یافته در دامان مادر از لحاظ سلامت عقل بر کودکانی که از این نعمت محرومند برتری دارند. مادرانی که تربیت و سرپرستی فرزندان خود را به عهده دیگران می گذارند و خود به کارهای دیگر اشتغال می ورزند بزرگترین خطا را مرتکب می شوند و خطرناک ترین آسیبهای عقلی را بر نونهالان وارد می کنند و به انحطاط و اضمحلال جامعه خود کمک می کنند.» (۵)

بر خلاف عقاید معمول مبتنی بر این که اشتغال مادر به کودک آسیب می رساند شواهد نشان می دهد که ممکن است برای کودک فوایدی هم داشته باشد کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران خانه دار غالباً سازگاری شخصیتی و اجتماعی بهتری در مدرسه دارند. در مورد مفهوم جنسیت عقاید معقولانه تری دارند و در مورد فعالیت های زن و مرد عقاید قلبی کمتری دارند (۱۹ و ۱۸).

از شواهد چنین بر می آید که اثرات اشتغال مادر بیشتر متوجه دختران است. دختران مادرانی که اهداف بالایی دارند، آنها نیز اهداف بالایی خواهند داشت زیرا مادرانشان سرمشق خوبی برای تشویق حس استقلال در آنان خواهند بود (۶). هافمن^{۳۰} (۱۹۷۹) نشان داده اند که دختران مادران شاغل مادر را بیشتر قبول دارند مفهوم مثبت تری از زنانگی دارند و احتمالاً بیشتر مستقل هستند، تأثیرات منفی معمولاً گریبان پسر بچه ها را می گیرد به خصوص اگر خیلی کوچک باشند. بعضی از مطالعات نشان می دهند که در صورتی که مادر خارج از خانه کار کند ممکن است مهارت های شناختی و تحصیلی پسرها آسیب ببینند که چندان زیاد پایدار نخواهد بود (۶).

تاوارس پاس (۱۳۵۳) مطالعه ای تحت عنوان تأثیر شاغل بودن مادر روی فرزندان انجام داد. آنان در پژوهش خود یک گروه ۵۰ نفری از مادران شاغل و گروه ۵۰ نفری مادران غیر شاغل، که کودکان آنها ۸-۶ ساله بودند، انتخاب کردند و آزمونهای هوشی و شخصیتی روی آنها انجام دادند. نتایج به دست آمده نشان داد که کودکان مادران شاغل از لحاظ

درسی موفقیت بیشتری دارند و در آزمونهای هوشی امتیاز بالاتری کسب کردند. کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران غیر شاغل تعادل و ثبات عاطفی کمتری داشتند و علاوه بر این سازش اجتماعی کمتری داشتند (۲).
برنجی در سال (۱۳۵۵) در تحقیقی تحت عنوان تأثیر کار مادران شاغل از خارج از منزل در موقعیت تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی در شهر شیراز انجام داده نتیجه گرفته است که اشتغال مادران بر پیشرفت تحصیلی فرزندان و یا موفقیت یا عدم موفقیت آنان تأثیر نامطلوبی نمی گذارد (۱).

حسینی میرزاخانی (۱۳۶۸) به مطالعه اختلال رفتاری در فرزندان مادران خانه دار نسبت به فرزندان مادران شاغل (کادر پرستاری و بهیاری بیمارستانهای اصفهان) پرداختند. نتایج نشان داده است که اختلال های رفتاری در فرزندان خانه دار (۶۶/۷۶) بیشتر از اختلالات رفتاری در فرزندان مادران شاغل (۳۳/۴۴) بوده است (۳).

پژوهش های بارلینگ^{۳۱} (۱۹۸۴) در پژوهشی روی رفتار کودکان ۲ تا ۶ ساله تأثیر ارضا و خشنودی ۹۱ مادر از شغل خود، درگیری شغلی و تعارض نقش روی کودکان انجام داد. ابزار پژوهش چک لیست مشکلات رفتاری و مقیاس درجه بندی خود کنترلی درجه بندی شدند. متغیرهای میانجی مرتبط با اشتغال مادر، شامل ماهیت و کیفیت تجربه اشتغال نوع رفتار مورد سنجش کودک و جنس کودک بود. خشنودی و ارضاء شغلی مادران، به طور مثبتی با خود کنترلی و به طور منفی با مشکلات سلوک دختران، مرتبط بود. تعارض نقش به طور منفی با خود کنترلی دختران و پسران و به طور مثبت با مشکلات سلوک پسران و مورد غفلت قرار گرفتن دختران ارتباط داشت. نتایج پژوهش نشان داد که علاوه بر اشتغال مادر کیفیت تجربه اشتغال مادر نیز می تواند عواطف و رفتارهای کودکان را تحت تأثیر قرار دهد (۱۰).

در خصوص سازگاری اجتماعی و عدم پرخاشگری به اطرافیان و این که آیا داشتن یک شغل به کودک زیان رساند یا به دلایل و شرایط اشتغال مادر بستگی دارد. نتایج نشان داد که اگر مادر تمایل درونی به کار کردن داشته باشد تأثیرات بیمارگونه ای بر روی کودک نمی گذارد ولی اگر مادر به دلایل مشکلات اقتصادی و یا دلایل دیگر اجبار به کار داشته باشد اشتغال او مشکل آفرین است (۱۷).

زنان شاغل به دلیل اینکه احساس می کنند نقش مفید و موثری در جامعه دارند عزت نفس و اعتماد به نفس پیدا می کنند. بنابراین احساس کفایت و لیاقت نموده و از زندگی راضی و خشنود باشند. شکل گیری این احساسات و عواطف مثبت در زنان شاغل موجب می شود که از بهداشت روانی بهتری بهره مند شوند و این موضوع بر احساسات و عواطف فرزندان آنان تأثیر مثبت خواهد گذاشت (۲۲).

با توجه به مطالب فوق الذکر می توان گفت زن یکی از اساسی ترین ارکان خانواده نقش حیاتی در رشد و تعالی بخشیدن به اعضای خانواده و همین طور در جامعه دارد. و نقش آموزگاران در این راستا حیاتی تر است. زمانی می توانند برای دیگران و فرزندان این مرز و بوم موثر باشند که برای فرزندان خود موثر بوده باشند. لذا با توجه به این که پژوهش اختصاصی راجع به مشکلات رفتاری فرزندان آموزگاران در مقایسه با سایر مشاغل در ایران کمتر صورت گرفته است انجام این گونه پژوهش ها ضروری است. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی فرضیات زیر می پردازد.

- ۱ - مشکلات رفتاری در بین دانش آموزان مادران غیر شاغل بیشتر از دانش آموزان مادران آموزگار می باشد.
- ۲ - آیا تفاوت معنی داری بین مشکلات رفتاری دانش آموزان در مشاغل مادران تحت بررسی وجود دارد (آموزگاران ، ماما ، پرستار)

روش پژوهش:

روش پژوهش علی - مقایسه ای پس رویدادی است. ابتدا با توجه جامعه آماری آموزگاران زن شاغل که فرزند در دوره ابتدایی داشته اند به تعداد ۶۰ نفر انتخاب شده است و سپس با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی منظم تعداد ۶۰ نفر زن خانه دار و ۱۲۰ نفر ماما و پرستار که فرزندان آنها دوره ابتدایی و در حال تحصیل بودند انتخاب گردید تمام مادران از نظر تحصیلات سن همتا سازی شدند. تحصیلات حداقل فوق دیپلم و حداکثر لیسانس بوده و دامنه سنی آنها بین ۲۵ تا ۴۶ سالگی است. ابزار مورد مطالعه مقیاس مشکلات رفتاری کودکان - آخن باخ (CBCL) می باشد که شامل ۱۱۳ سوال می باشد که هنگام ترجمه و بررسی اعتبار محتوا برخی از سوالات به دلایل فرهنگی و عرفی و موانع دیگر از مقیاس تهیه شده حذف گردیده است (اختلالات مربوط به اعمال جنسی ، استفاده از مواد مخدر و ...)

همچنین در مطالعه مقدماتی چند مورد رفتاری که توسط برخی از والدین به آنها اشاره شده است به مقیاس نهایی اضافه شده است (ماجراجو ، بدگامانی ، کم حوصله).

این پرسشنامه شامل ۷۹ سوال عینی از کودکان می باشد که به صورت صفر تا ۲ نمره گذاری می شود (۰= هرگز ، ۱= برخی اوقات ، ۲ = بیشتر اوقات) این مقیاس در ایران توسط سامانی (۱۳۷۵) بررسی شده و میزان پایایی و ضریب های همسانی درونی هشت خرده مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه قابل قبولی قرار داشت.

(پرخاشگری ۸۷٪ ، گوشه گیری ۸۳٪، ناپختگی رفتار ۷۹٪ ، وسواس ۷۱٪ ، اختلال کرداری ۷۱٪ ، رفتار کودکان ۷۰٪ ، رفتار کنترل نشده ۹۰٪ ، رفتار فزون کنترلی ۸۹٪). روش بازآزمایی به فاصله چهار تا پنج هفته بعد از آزمون با استفاده ضریب همبستگی پیرسون برای خرده مقیاس ها پرخاشگری ۶۷٪ ، گوشه گیری ۷۴٪ ، ناپختگی رفتار ۶۰٪ ، وسواس ۷۶٪ ، اختلال کرداری ۷۱٪ ، رفتار کودکان ۵۹٪ رفتار کنترل نشده ۶۵٪، رفتار فزون کنترلی ۶۸٪ می باشد. سامانی (۱۳۷۵) اشاره می کند که برای بررسی اعتبار محتوا از متخصصان روانشناسی نظر خواهی شده و در مقایسه محتوا با دیگر مقیاس رفتاری (مقیاس رفتارکوی ، مقیاس رفتاری کاترر) نیز حاکی از اعتبار محتوای مقیاس رفتاری کودکان می باشد(۴).

یافته ها:

جدول شماره ۱ : میانگین و انحراف معیار سن آموزگاران

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن	۳۷	۷/۲۲

جدول شماره ۲: میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری در فرزندان ۴ گروه را نشان می دهد.

گروه	گوشه احتمالی		گیری		پرخاشگری		ناپختگی رفتار		وسواس		اختلال کردار		رفتار کودکانه	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آموزگار	۱۷/۷	۵/۹	۱۹/۴۵	۶/۵۱	۱۴/۹۶	۴/۹۶	۱۵/۵۶	۴/۷۹	۱۳/۶۶	۴/۷۲	۱۳/۶۶	۱۳/۶۱	۵/۰۵	
خانه دار	۲۰/۹۱	۳/۶۸	۲۳/۳۵	۴/۲۶	۱۸/۲۳	۳/۵۱	۱۷/۹	۳/۴۸	۱۶/۸۶	۳/۲۱	۱۶/۸۶	۱۷/۲۳	۳/۳۱	
پرستار	۲۱/۱۳	۴/۵۵	۲۰/۳	۴/۸۲	۱۸	۴/۹	۱۷/۳۱	۳/۷۹	۱۵/۲۳	۴/۳۱	۱۵/۲۳	۱۵/۶۵	۳/۷۱	
ماما	۱۹/۴۵	۵/۶۰	۱۹/۸۱	۶/۰۹	۱۶/۶۱	۴/۵۲	۱۷/۰۵	۴/۱۲	۱۵/۲۸	۴/۳۱	۱۵/۲۸	۱۴/۹۱	۳/۶۷	

نتایج جدول شماره ۲ نشان می دهد میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری فرزندان آموزگاران نسبت به

فرزندان سه گروه دیگر کمتر است و مشکلات رفتاری فرزندان مادران خانه دار نسبت به سایر گروه ها بیشتر است.

جدول شماره ۳: سترویدها هر چهار گروه را با توجه به ۶ متغیر نشان می دهد.

گروه	شاخص	میزان معناداری	ضریب	توان آماری
آموزگار خانه دار	هتلینگ	P<0/0001	0/08	1
پرستار ماما	ویلکز لامدا	P<0/001	0/07	1

جدول شماره ۳ تفاوت بین سترویدهای چهار گروه را با توجه به ۶ متغیر مورد بررسی نشان می دهد که در

مجموع معنی دار است ($p<0/001$) و میزان این تفاوت ۰/۸/۰ و توان آماری برابر با یک است.

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل مانو مشکلات رفتاری فرزندان را در چهار گروه نشان می دهد.

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	میزان معناداری	ضریب	توان آماری
پرخاشگری	۵۸۱/۱۶۴	۳	۱۹۳/۷۱	۶/۳۹	P<0/0001	۰/۷۵	۰/۹۶

۰/۹۵	۰/۰۷	P<0/001	۵/۹۵	۱۵۱/۱۴	۳	۴۵۳/۴۳	گوشه گیری
۰/۹۷	۰/۰۷	P<0/0001	۶/۶۲	۱۳۵/۸۸	۳	۴۰۷/۶۴	ناپختگی رفتار
۰/۷۸	۰/۰۴	P<0/014	۳/۵۸	۵۹/۲۰	۳	۱۷۷/۶۱	وسواس
۰/۹۵	۰/۰۶	P<0/001	۵/۸۶	۱۰۲/۴۲	۳	۳۰۷/۲۷	اختلال کردار
۰/۹۹	۰/۰۹	P<0/0001	۸/۴۹	۱۳۵/۴۸	۳	۴۰۶/۴۴	رفتار کودکانه

جدول شماره ۴ تحلیل تک متغیری نمرات مشکلات رفتاری فرزندان را در چهار گروه نشان می دهد که تفاوت ها معنی

دار است به ترتیب (P=0/0001,0/001,0/01,0/001,0/0001) که این نتایج فرضیه اول را مبنی بر اینکه مشکلات

رفتاری فرزندان مادران شاغل کمتر از مادران خانه دار است تأیید می شود.

جدول شماره ۵ : مقایسه زوجی گروهها در ۶ متغیر

سطح اطمینان ۹۹٪		میزان معناداری	خطای استاندارد ۸.E	تفاوت میانگین ها	متغیرها	مقایسه گروه ها
حد بالا	حد پائین					

-۱/۰۵	-۵/۸	۰/۰۰۳	۰/۹۱	-۳/۴۳	پرخاشگری	آموزگار / پرستار
۲/۴۷	-۳/۸۴	۰/۹	۱	-۰/۶۸	گوشه گیری	
-۰/۸۹	-۵/۱۷	۰/۰۰۲	۰/۸۲	۰/۲۳	ناپختگی رفتار	
۲/۵	-۳/۶۶	۰/۰۸	۰/۷۴	-۱/۷	وسواس	
-۰/۴۰۲	-۳/۵۲	۰/۱۷	۰/۷۶	-۱/۵۶	اختلال کردار	
-۰/۱۴	-۳/۹	۰/۰۲	۰/۷۲	-۲/۰۳	رفتار کودکانه	
-۰/۷۳	-۷/۶	۰/۰۰۱	۱/۰۵	-۳/۹	پرخاشگری	آموزگار / خانه دار
-۸۳	-۵/۵	۰/۰۰۳	۰/۹۱	-۳/۲۱	گوشه گیری	
۵/۴	-۵/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۸۲	-۳/۲۶	ناپختگی رفتار	
-۰/۴۱	-۴/۲۵	۰/۰۱	۰/۷۶	-۲/۳	وسواس	
-۱/۲	-۵/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۷۶	-۳/۲	اختلال کردار	
-۱/۷	-۵/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۷۲	-۳/۶	رفتار کودکانه	
۲/۷۹	-۳/۵۲	۰/۹	۱/۰۵	-۰/۳۶	پرخاشگری	آموزگار / ماما
۰/۶۲	-۴/۱۹	۰/۲	۰/۹۱	-۱/۷۵	گوشه گیری	
۰/۴۸	-۳/۷	۰/۱۹	۰/۸۲	۱/۶	ناپختگی رفتار	
۰/۴۳	-۰/۴۳	۰/۱۹	۰/۷۴	۱/۴۸	وسواس	
۰/۳۵	-۳/۵۹	۰/۱۵	۰/۷۶	-۱/۶	اختلال کردار	
۰/۵۱	-۳/۲۵	۰/۲۴	۰/۷۲	-۱/۳	رفتار کودکانه	
۳/۴۷	-۲/۸۴	۰/۹۸	۱/۰۵	-۰/۳۱	پرخاشگری	ماما / پرستار
۴/۰۶	-۰/۶۹	۰/۲۶	۰/۹۱	۱/۶	گوشه گیری	
۳/۵۲	-۰/۴۸	۰/۱۹	۰/۸۲	۱/۳۸	ناپختگی رفتار	
۲/۱۸	-۱/۶	۰/۹۸	۰/۷۴	۰/۲۶	وسواس	
۲/۰۲	-۱/۹۲	۱	۰/۷۶	۰/۰۵	اختلال کردار	
۲/۵	-۱/۲	۰/۷	۰/۷۲	۰/۶۶	رفتار کودکانه	
-۰/۳۷	-۶/۶۹	۰/۰۰۳	۱/۰۵	-۳/۵۳	پرخاشگری	ماما / خانه دار
۳/۸۴	-۰/۹۱۲	۰/۳۸	۰/۹۱	۱/۴۶	گوشه گیری	
۳/۷۵	-۰/۵۲۳	۰/۲۰۸	۰/۸۲	۱/۶	ناپختگی رفتار	
۲/۷	-۲/۷۶	۰/۶	۰/۷۴	-۰/۸۵	وسواس	
۳/۵	-۳/۵۹	۰/۱۵	۰/۷۶	-۱/۶	اختلال کردار	
۴/۱	۰/۳۶	۰/۰۱	۰/۷۲	۲/۲۵	رفتار کودکانه	
-۰/۰۵	-۶/۳۷	۰/۰۰۸	۱/۰۵	-۳/۲۱	پرخاشگری	پرستار / خانه دار
۲/۳۷	-۱/۹۰	۰/۹۱	۰/۸۲	۰/۲۳	گوشه گیری	
۲/۵	۱/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۰/۲۱	ناپختگی رفتار	
۱/۳	-۲/۵۰	۰/۸	۰/۷۴	-۰/۵۸	وسواس	
۳/۶	-۰/۳۴۳	۰/۱	۰/۷۶	۱/۶	اختلال کردار	
۳/۴	-۰/۳۶	۰/۳	۰/۷۲	۱/۵۸	رفتار کودکانه	

مقایسه زوجی گروهها در جدول شماره ۵ نشان می دهد که بین مشکلات رفتاری فرزندان در دو گروه آموزگاران و

خانه دار در تمام مقیاس ها به سطح معنی دار رسیده است.

به ترتیب ($P=0/001,0/001,0/01, 0/001,0/003,0/001$) بین مشکلات رفتاری فرزندان در گروه شاغلین (بین آموزگاران و ماما، ماما و پرستار) در هیچکدام از مقیاس ها به سطح معنی دار نرسیده است. تنها تفاوت بین مشکلات رفتاری فرزندان گروه آموزگاران و پرستاران به سطح معنی دار رسیده است آن هم در بعضی از مقیاس ها (گوشه گیری، ناپختگی رفتار، رفتار کودکانه)، میزان تفاوت ها (به ترتیب $P=0/02,0/002,0/003$) می باشد و در سایر مقیاس ها مشکلات رفتاری فرزندان این دو گروه به سطح معنی دار نرسیده است.

پس فرضیه دوم مبنی بر اینکه آیا تفاوت معنی دار بین مشکلات رفتاری فرزندان در مشاغل مختلف وجود دارد، با صراحت نمی توان گفت که تأیید می شود این بستگی به نوع رفتار مورد مطالعه و ویژگی های شغلی بستگی دارد. مشکلات رفتاری فرزندان در دو گروه ماما و خانه دار تنها در مقیاس پرخاشگری و رفتار کودکانه به سطح معنی دار رسیده است. (به ترتیب $P=0/01,0/003$) و در سایر مقیاس ها به سطح معنی دار نرسیده است. مشکلات رفتاری فرزندان در دو گروه پرستار و خانه دار فقط در مقیاس های پرخاشگری و گوشه گیری به سطح معنی دار رسیده است. (به ترتیب $P=0/008,0/001$) و در سایر مقیاس ها به سطح معنی دار نرسیده است. نتایج جدول شماره ۵ در خصوص فرضیه شماره ۳ نشان می دهد تفاوت معنی دار بین مشکلات رفتاری فرزندان مادران شاغل (آموزگار، پرستار، ماما) در همه مقیاس ها وجود ندارد. فقط در مقیاس های گوشه گیری و ناپختگی رفتار و رفتار کودکانه بین فرزندان مادران آموزگار و پرستار وجود دارد. ($p<0/02,0/002,0/003$). شاید دلیل تفاوت مشکلات رفتاری فرزندان مادران پرستار به دلیل مشغله کاری بیشتر، کیفیت شغل، و اینکه وقت کمتری را با فرزندان خود سپری می کنند، باشد. در صورتی که مادران آموزگار اوقات بیشتری را با فرزندان خود سپری می کنند و حداقل چند روز هفته و یا چند ماه از سال را در منزل به سر می برند. نتیجه این پژوهش گالامبوس (۱۹۷۴) همسو است بنابراین اثرات اشتغال مادر بر کودک بستگی به کیفیت مراقبت از کودک توسط جانشین مادر دارد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج جداول ۳ و ۴ می توان نتیجه گرفت که فرضیه اول مبنی بر تفاوت معنی دار بین مشکلات فرزندان مادران آموزگار و مشکلات رفتاری فرزندان خانه دار تأیید می شود ($P < 0/0001$) که نتایج این پژوهش با پژوهش های اسکار و همکاران (۱۹۸۰)، براون (۱۹۷۰)، باندوسی (۱۹۶۷)، اتاق (۱۹۷۴)، لی نان (۱۹۷۶)، هافمن (۱۹۷۴)، بارلینگ (۱۹۸۴)، مکابی (۱۹۸۶)، حسینی میرزاخانی (۱۳۶۸)، برنجی (۱۳۵۵) همسو است. هافمن (۱۹۷۹) معتقد است که بر خلاف عقاید معمول مبتنی بر این که اشتغال مادر به کودک آسیب می رساند شواهد نشان می دهد که ممکن است برای کودک فوایدی هم داشته باشد کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران خانه دار غالباً سازگاری شخصیتی و اجتماعی بهتری در مدرسه دارند. در مورد مفهوم جنسیت عقاید معقولانه تری دارند و در مورد فعالیت های زن و مرد عقاید قالبی کمتری دارند (۱۹ و ۱۸). بارلینگ (۱۹۸۴) مادران غیر شاغل که کودک دبستانی دارند ممکن است که در نقش مادری بیش از اندازه سرمایه گذاری کنند چون این تنها راهی است که وی می تواند از آن احساس ارزشمندی کند. چندین مطالعه دال بر روحیه پایین مادران بدون شغل یا بچه های دبستانی هستند علاوه بر این تشویق غیر عمد باعث وابستگی بیشتر می شود و به وی کمک می کند تا نقش خود را توجیه کند (۱۰). مکابی (۱۹۸۶) زنان شاغل به دلیل اینکه احساس می کنند نقش مفید و موثری در جامعه دارند عزت نفس و اعتماد به نفس پیدا می کنند. بنابراین احساس کفایت و لیاقت نموده و از زندگی راضی و خشنود باشند. شکل گیری این احساسات و عواطف مثبت در زنان شاغل موجب می شود که از بهداشت روانی بهتری بهره مند شوند و این موضوع بر احساسات و عواطف فرزندان آنان تأثیر مثبت خواهد گذاشت (۲۲).

حسینی میرزاخانی (۱۳۶۸) به مطالعه اختلال رفتاری در فرزندان مادران خانه دار نسبت به فرزندان مادران شاغل (کادر پرستاری و بهیاری بیمارستانهای اصفهان) پرداختند. نتایج نشان داده است که اختلال های رفتاری در فرزندان خانه دار (۶۶/۷۶) بیشتر از اختلالات رفتاری در فرزندان مادران شاغل (۳۳/۴۴) بوده است (۳).

نتایج این پژوهش با پژوهش شعاری نژاد (۱۳۶۴)، هاوول (۱۹۷۳) مغایر است. وی معتقد است که «علامتهای هیجانی بیشتر در میان کودکانی مشاهده می شود که والدینشان آنها را ترک گفته یا قسمت بیشتر روز خود را در خارج از خانه می گذرانند و نگرانی زیادی از کودکان خود دارند. (۵) از مطالعه ۴۰ کودک دبستانی که مادرانشان در بیرون از خانه کار

می کردند دریافتند که دشواریهایی در رفتار آن کودکان وجود دارد احساس استقلال را از دست می دهند در روابط خود با دیگران دارای مشکلات و گرفتاریهایی می شوند و نشانه های خیالپردازی ، رفتار کناره گیری و گوشه نشینی و عدم اطمینان خاطر در آنها مشاهده می شود . مخصوصاً اگر کودک بیشتر با مادر مهربان باشد. کودک وقتی از مدرسه بر می گردد باید فوراً درباره تجارب مدرسه ای خود با مادرش گفتگو کند و نمی تواند منتظر باشد تا مادر از کارش بر گردد» (۵).

پژوهش های بارلینگ (۱۹۸۴) در پژوهشی روی رفتار کودکان ۲ تا ۶ ساله تأثیر ارضا و خشنودی ۹۱ مادر از شغل خود ، درگیری شغلی و تعارض نقش روی کودکان انجام داد. ابزار پژوهش چک لیست مشکلات رفتاری و مقیاس درجه بندی خود کنترلی درجه بندی شدند. متغیرهای میانجی مرتبط با اشتغال مادر ، شامل ماهیت و کیفیت تجربه اشتغال نوع رفتار مورد سنجش کودک و جنس کودک بود. خشنودی و ارضاء شغلی مادران ، به طور مثبتی با خود کنترلی و به طور منفی با مشکلات سلوک دختران ، مرتبط بود. تعارض نقش به طور منفی با خود کنترلی دختران و پسران و به طور مثبت با مشکلات سلوک پسران و مورد غفلت قرار گرفتن دختران ارتباط داشت. نتایج پژوهش نشان داد که علاوه بر اشتغال مادر کیفیت تجربه اشتغال مادر نیز می تواند عواطف و رفتارهای کودکان را تحت تأثیر قرار دهد (۱۰).

هاول (۱۹۷۳) پژوهشهای بسیاری روی کودکانی که مادران آنها شاغل بوده انجام داده است و نتیجه گرفت که تقریباً هر خصیصه رفتاری و متضاد آن در کودکان می تواند در بین مادران غیر شاغل نیز دیده شود و به طور کلی تفاوتی کلی در بین کودکان مادران شاغل و غیر شاغل دیده نشده است (۲۰).

محدودیت و پیشنهادات:

این پژوهش مشکلات رفتاری فرزندان را از نگاه مادران آنها بررسی کرده است ولی مشکلات روانشناختی مادران مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا توصیه می شود در پژوهش های آتی مشکلات روانشناختی مادران نیز به طور همزمان مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این مشاغل مختلفی که مادران در آن اشتغال دارند و اثرات آن را بر روی فرزندان مورد بررسی قرار دهند . همچنین با توجه به عدم تفاوت معنی دار بین مشکلات رفتاری فرزندان مادران ماما و پرستار و خانه

دار لزوم بررسی پژوهش در جوامع دیگر پیشنهاد می شود. با توجه به نتایج این پژوهش بهتر است در بکارگیری مادران به مشاغل مختلف تجدید نظر بعمل آید.

منابع

۱. برنجی، ایران، (۱۳۵۵)، "تأثیر کار مادران در خارج از منزل در موقعیت تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدائی در مدارس شهر شیراز" پایان نامه، دانشگاه شیراز.
۲. تاواریس پاس، مارلیلیا و الوایرا (۱۳۵۳)، "تأثیر شاغل بودن مادر بر فرزندان" پایان نامه، دانشگاه تهران.
۳. حسینی میرزاجانی، (۱۳۶۸)، "بررسی اختلالات رفتاری در فرزندان مادران خانه دار نسبت به فرزندان مادران شاغل"، پایان نامه، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۴. سامانی، سیامک (۱۳۷۵)، بررسی روایی و پایایی مقیاس مشکلات رفتاری کودکان - آخن باخ، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۵. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۶۴)، روانشناسی رشد، تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. ماسن، پاول هنری و دیگران، (۱۳۶۸)، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
۷. مولوی، حسین (۱۳۸۶)، راهنمای عملی spss10-13-14 در علوم رفتاری، اصفهان، نشریه پویا اندیشه.
۸. موئل، آ. (۱۳۶۷)، بیداری وجدان در کودک ناسازگار، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، معاونت فرهنگی آستان قدس.
۹. میشل، آندره، (۱۳۵۴)، جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

10. Barling, J., and vanbart, D. (1984). Mothers subjective employment experiences and the behavior of their nursery school children. *Journal of occupational psychology*, 57,49,56.
11. Banducci, R. (1967). The effect of mothers employment on the achievement, aspirations, and expectations of the child, *personal and guidance jornal*, 46,263,267.
12. Brown, S.W. (1970). A comparative study of maternal employment and non-employment. Unpublished doctoral dissertation. 70,86.

13. Brown, k. (1996). "the velation between parenting style and maternal employment in families with empentary school students."counseling and personal serices.
14. Etaugh , Claire , (1974), effects of maternal employment on children , Merrill – palmer quarterly , 20, pp:71-98.
15. Gold , D, and glovieu , J (1979). " The development. Franco phone nursery – school children with employed and non employed mathers". Canadian journal of behavioral science 11,169,173.
16. Galambos , nancy, L. levner , jacgeline .V.,(1987) chid chavacteristics and the employment of mother with young children , child psychology and psychiatry vol, 28. no,1,pp.87,98.
17. Harris , J.R ,and liebrert , R.M.(1984). "The child flom birth through a dolescence. Engle wood cliffs, inc."
18. Haffman , lois wladis, (1979), maternal employment , American psychologist , ocober pp: 859-865.
19. Haffman , lois wladis & F. ivan nye , (1974), working mothers , second printing, san Francisco , jossey – boss publishers.
20. Howell,M.C.(1973). " Effects of matevnal employment of the child". Pediatvics , 52 , 227,343.
21. lin , nan, (1976), foundations of social research, MC Graw, HIA.
22. Maccoby , E. (1968). Work in the lives of married women . newyork. Colombia university press.
23. Scarr, S.Phillips , D.Mccartney , (1980) " Working mothers and their families", American psychologist , vol , 44, no.1.
24. Wendkos olds , sally, (1975), the mother who works outside the home , America , child study press.